

ماهیت بیمه‌های اعتباری و نحوه اجرای آن در کشورهای در حال توسعه

مجتبی سهرابی

عضو هیأت مدیره شرکت بیمه صادرات و سرمایه گذاری

۱. نقش صادرات در اقتصاد کلان کشورهای در حال توسعه

بی تردید صادرات یکی از عوامل مهم و مؤثر در ارزیابی تراز بازرگانی در کشورهای در حال توسعه است. هراندازه که صادرات از واردات فزونی گیرد تراز، مثبت تر ارزیابی می شود و این امر موجب افزایش سطح درآمدها و غنی تر شدن اقتصاد خواهد شد. افزایش میزان درآمدها، زمینه های سرمایه گذاری های کلان را در میان مدت و بلند مدت فراهم می کند. ایجاد فضای مناسب برای توسعه سرمایه گذاری ها و اطمینان از سوخت نشدن آنها زمینه اشتغال و به خدمت گیری نیروهای مستعد در جریان تولید و شکوفایی اقتصاد را به همراه خواهد داشت.

به اجرا گذاردن برنامه های توسعه اقتصادی در بلند مدت نیاز به در اختیار داشتن سرمایه است و به ویژه اگر سرمایه گذاری منجر به درآمدهایی با منشأ ارزی باشد برنامه های توسعه کلان در این کشورها در زمانهای تعیین شده به هدف می رسد. به این ترتیب نقش صادرات همچون اهرمی در به حرکت درآوردن گردونه اقتصادی کشورهای در حال توسعه مشخص می شود. آنچه می تواند در ثبات اقتصادی این کشورها مؤثر باشد، توجه به نتایج وقوع خطرهایی است که به ویژه در توسعه صادرات تعیین کننده است و لذا لازم است اجماً خطرهایی را که در نظام اقتصادی کشورهای در حال توسعه موجب نگرانی می شود بررسی کنیم.

۲. انواع خطرهایی که یک رژیم اقتصادی را در کشورهای در حال توسعه تهدید می کند در برنامه ریزی های توسعه که معمولاً دولتها طراحی می کنند، خطرهایی که ممکن است

در جریان اجرای برنامه مشکلاتی به وجود آورد مورد توجه قرار می‌گیرد. این خطرها به طور کلی به دو گروه اصلی تقسیم می‌شوند:

الف) خطرهای بازرگانی

ب) خطرهای سیاسی

اگر هدف از برنامه‌ریزی اقتصادی - اعم از سرمایه‌گذاری یا صادرات - اطمینان از بازگشت اصل سرمایه و سود حاصل از عملیات باشد، مسلماً داشتن اطلاعات از وضعیت بازار سرمایه یا صادرات در افزایش یا کاهش خطرهای بازرگانی مؤثر خواهد بود. اما در شرایط رقابتی ریسک‌پذیری نیز ضرورت می‌یابد و ایجاد فضای مناسب برای این امر که ممکن است سرمایه‌گذار یا خریدار کالا و خدمات نتواند به موقع ایفای تعهد کند یا با وجود همه ملاحظات اقتصادی ورشکسته شود، توجه به اخذ پوششهای بیمه‌ای برای این گونه خطرها را مطرح می‌کند. خوشبختانه در زمینه خطرهای بازرگانی، صنعت بیمه در این کشورها در حد ممکن پوششهای لازم بیمه‌ای را ارائه می‌دهد و چنانچه مثلاً صادرکننده در جریان حمل و نقل با خطرهای فیزیکی یا طبیعی مواجه شود نگرانی نخواهد داشت و فقط در صورت ورشکسته شدن یا خودداری خریدار از پرداخت بهای کالا یا خدمت صادر شده نگران خواهد بود و این اطمینان در ارتباط با پوشش خطرهای سیاسی که بیمه‌گر در اختیار وی قرار می‌دهد میسر می‌شود.

در زمینه ارائه پوشش خطرهای سیاسی از این نظر که عامل عدم پرداخت بهای کالای خریداری شده بخش خصوصی باشد یا دولتی تفاوتی وجود دارد. ماهیت این تفاوتها با توجه به اینکه بخش خصوصی یا دولتی، بهای کالای خریداری شده یا خدمت را پرداخت نکند باید مورد بررسی قرار گیرد. اما قبل از این بررسی لازم است به اهمیت خدمات بیمه‌ای در استراتژی توسعه این کشورها اشاره شود.

۳. اثر حمایتی بیمه‌های اعتباری در استراتژی توسعه

نقش عمده صنعت بیمه در توسعه اقتصادی کشورها شامل حمایتهای لازم به منظور حفظ ثروت ملی، اطمینان در سرمایه‌گذاریها و ایجاد اعتبار در مبادلات بازرگانی است. در آن بخش از خدمات بیمه که برای حفظ اموال و داراییها ارائه می‌شود تقریباً مشکل عمده‌ای وجود ندارد و به عبارتی ریسکها شناخته شده‌اند و به طریق اولی پوششهای آنها نیز در اختیار است. در حالی که در اکثر مبادلات بازرگانی بین‌المللی نظیر

سرمایه‌گذاری‌های خارجی و صادرات که به لحاظ اعطای اعتبار انجام می‌شود موقعیتهای مالی کشور خریدار یا سرمایه‌پذیر مبنای ارزیابی بیمه‌ای قرار می‌گیرد. به همین دلیل اهمیت بیمه‌های اعتبار در انجام گرفتن و تسریع معاملات بازرگانی بین‌المللی نمایان‌تر می‌شود.

در گردونه اقتصاد بین‌الملل امروزه تقریباً همه فعالیت‌هایی که در جهت توسعه اقتصادی صورت می‌گیرد از طریق اعتباراتی است که در اختیار مجریان گذارده می‌شود. در واقع اعتبار در استراتژی و جریان توسعه نقش تعیین‌کننده دارد.

در اعتبارات بین‌المللی باید به ابعاد گسترده خطرهایی که اعطاکننده اعتبار را تهدید می‌کنند توجه خاص کرد و بیمه اعتبار به منظور پوشش این گونه خطرها به خدمت گرفته می‌شود.

در بخش صادرات و سرمایه‌گذاری‌های خارجی که از اهم برنامه‌های استراتژیک توسعه در کشورهای در حال توسعه محسوب می‌شود، بیمه‌های اعتباری در جبران کردن زیانهای ناشی از وقوع خطرهای سیاسی اقتصادی که ماهیت اعتبار را تهدید می‌کنند نقش عمده خود را در سرعت بخشیدن به آهنگ توسعه یافتگی به خوبی ایفا می‌کند.

با توجه به آنچه گذشت باید اذعان کرد که به لحاظ مشخصه‌های گوناگونی که در جریان اعطای یک اعتبار وجود دارد باید در مکانیسمهای بیمه‌ای کشورهای در حال توسعه با سایر کشورها تفاوت قایل بود.

در کشورهای با ثبات اقتصادی، معمولاً خدمات بیمه‌گر در بیمه خطرهای سیاسی، مانند امتناع اعتبارگیرنده از پرداخت دیون خود یا تنزل ارزش پول به لحاظ تغییر رژیم سیاسی، از پشتوانه مطمئن‌تری برخوردار است. این اطمینان به لحاظ عملیات بیمه اتکایی به وجود می‌آید و در نتیجه بیمه‌گر نگرانی چندانی ندارد. حال آنکه در کشورهای در حال توسعه به دلیل معضلات اقتصادی، عموماً پاسخ مثبتی از بازارهای بین‌المللی بیمه اتکایی در مورد خطرهای فوق دریافت نمی‌شود و به همین سبب در این کشورها بیمه‌گران باید با احتیاط بیشتری عمل کنند.

تشخیص صلاحیت اعتباری با ملاحظه امکانات و مکانیسمهایی که سیستمهای بانکی در اختیار دارند و تضمینهایی که در این زمینه اخذ می‌کنند میسر می‌شود. به طور اصولی بررسی این صلاحیت جزو وظایف اصلی بانکهاست و بیمه‌گران به تبع عملیات

حرفه‌ای بانکها در مورد اعتبارات اعطایی تأمینات خود را ارائه می‌کنند. بنابراین باید بین آنچه به عنوان پوشش بیمه اعتبار در اختیار سیستم بانکی قرار می‌گیرد و ضمانتی که ممکن است از طریق بیمه‌گر به جای بانک، اعتبار‌گیرنده را تحت پوشش قرار دهد، تفاوت قابل بود. به همین سبب لازم است به تفاوت‌های ماهیتی بیمه‌های اعتباری و تضمین توجه شود.

۴. بررسی ماهیت بیمه‌های اعتبار و تضمین

شاید در ابتدا چنین به نظر رسد که بین بیمه‌های اعتبار برای جبران زیانهای ناشی از وقوع خطرهایی که تسهیلات اعتباری را تهدید می‌کند و تضمین داده شده تفاوتی وجود ندارد و ظاهراً هر دو عدم پرداخت اعتبار‌گیرنده را مورد حمایت قرار می‌دهند. اما با توجه به بافت اقتصادی و خدمات بانکی که به ویژه در کشورهای مورد بحث معمول است در این زمینه ماهیتاً تفاوت‌هایی مشهود است.

وقوع خطرهای سیاسی یا بازرگانی به طور طبیعی موجب برهم خوردن تعادل اقتصادی می‌شود. اعتباراتی که سیستمهای بانکی در اختیار می‌گذارند و استفاده بهینه از آنها براساس برنامه‌ریزی‌های از قبل تعیین شده، معادلات اقتصادی را برقرار می‌کند. اعطای تسهیلات معمولاً در ازای وثیقه‌هایی است که بانکها اخذ می‌کنند و هرچه این وثیقه‌ها مطمئن‌تر باشد ریسک تسهیلات اعطایی کمتر خواهد شد. به عبارت دیگر، سیستم بانکی در ازای ضمانت‌های معتبر، وام یا اعتبار در اختیار مشتریان قرار می‌دهد.

در کشورهای در حال توسعه، اعتبارات عمدتاً به منظور سرمایه‌گذاری یا صادرات اختصاص می‌یابد که در هر دو زمینه حمایت‌های لازم در مقابل خطرهای سیاسی یا اقتصادی وجود دارد. در سیستمهای بانکی کشورهای با ثبات اقتصادی که در این زمینه تجربه کافی دارند اولاً اعتبار به راحتی اعطا می‌شود و ثانیاً بیمه اعتبار به شکل اصولی و منطقی، خطرها را تحت پوشش قرار می‌دهد. در واقع بیمه‌گذار، اعطاکننده اعتبار و وام‌گیرنده، استفاده‌کننده از اعتبار خواهد بود. در این صورت، بیمه اعتبار معنا پیدا می‌کند و چون از طریق سیستم بانکی به طور منظم اعتبارات در اختیارگذارده می‌شود بیمه‌گر با حجم قابل قبول بیمه اعتبارات اعطایی مواجه است.

در صورتی که اعتبار‌گیرنده به تعهدات خود عمل نکند حقوق مترتب بر وثیقه به بیمه‌گر منتقل می‌شود و خسارت در وجه بانک (اعتبار دهنده) پرداخت می‌گردد. بدین

قرار، نقش عملیات اعتباری در تأمین بیمه‌گر است.

لازم است تأکید شود که در این حالت ریسک ناشی از پرداخت نشدن در ارزیابی بیمه‌گر قرار می‌گیرد. در واقع تسهیلات اعطایی بیمه‌گذاران تحت پوشش بیمه خواهد بود و حال آنکه اگر گیرنده اعتبار یا وام، بیمه‌گذار باشد و ریسک عدم پرداخت وام‌گیرنده موضوع بیمه باشد بیمه‌گر فقط به عنوان یک ضامن در مقابل اعتبار دهنده مطرح می‌شود. در چنین صورتی ماهیت عملیات بیمه‌ای در قالب یک تضمین پدیدار می‌شود و اصولاً ریسک اعتباری موضوع نخواهد داشت و بیمه‌گر فقط ضامن عدم پرداخت وام‌گیرنده خواهد بود.

با توجه به مکانیسمی که در جریان اعطای اعتبار وجود دارد، در اختیار داشتن تأمین لازم برای حفظ موقعیت اعتباری بانک یا مؤسسه مالی مطرح خواهد بود و پوشش بیمه‌ای برای وام‌گیرنده در گردش کار عملیات بانکی تغییر عمده‌ای ایجاد نمی‌کند. بنابراین تفاوتی که در ماهیت ریسک مورد تعهد بیمه‌گر در بیمه اعتبار و ضمانت عدم پرداخت اعتبار‌گیرنده مشهود است، حدود و ثغور پوششهای اعتباری روشن‌تر خواهد شد و گاهی اوقات ممکن است در جریان ارائه بیمه‌های اعتباری به لحاظ شرایط خاص، وام‌گیرنده نیز تحت پوشش قرار گیرد.

شکل اخیر، در کشورهای در حال توسعه بیشتر مورد نظر است. به همین سبب صندوقهای ضمانت یا بیمه‌گران باید چنین تعهداتی را مورد ارزیابی دقیق‌تری قرار دهند. بیمه‌گران معمولاً ضوابط اعطای اعتبار را ارزیابی می‌کنند. اگر بانک یا مؤسسه اعتبار دهنده چارچوب محکمی برای در اختیار گذاردن اعتبار داشته باشد ارائه تأمین بیمه‌گر نیز به سهولت امکان‌پذیر خواهد شد. در کشورهایی که از نظر اقتصادی توسعه یافته‌اند و اعتبار براساس ضوابطی سیستماتیک اعطا می‌شود، بیمه‌گر گردش عملیات تجاری و متقاضی بیمه را طی سالهای فعالیت بیمه‌گذار مد نظر خواهد داشت و دز واقع به شخص معتبر بیمه اعتبار عرضه می‌کند. از این بابت هم تفاوتی بین بانک یا مؤسسه مالی یا اعتباری با هر شخص حقوقی که در قالب ضوابط قرار گیرد نخواهد بود و مبنای ارزیابی بیمه‌گر، اعتبار مالی بیمه‌گذار خواهد بود.

در صورتی که در کشورهایی که دارای استراتژی مشخصی برای توسعه نیستند، مسیر به کارگیری اعتبار اعطایی گاه با آنچه موضوع درخواست اعتبار بوده است تفاوت دارد. چون شرایط اقتصادی در این کشورها ناپایدار است چه بسا به لحاظ افزایش شدید

نرخ تورم امکان باز پرداخت وام فراهم نشود. در عین حال تضمینهای در اختیار قرار داده شده نیز ارزش خود را از دست بدهد و مؤسسه اعتبار دهنده با شرایط دشواری مواجه گردد تا جایی که در معرض ورشکستگی قرار گیرد. در چنین وضعی، بیمه‌گر اعتبار نیز خلع سلاح می‌شود چرا که در موقعیت نابسامان اقتصادی اتکا به سایر بیمه‌گران نیز به طور یقین ناممکن می‌شود. بنابراین مدل ارائه خدمات بیمه‌ای اعتباری در کشورهای در حال توسعه و مکانیسمهای اجرایی آن باید با دقت بیشتری ملاحظه شود. در این کشورها بیمه‌های اعتباری باید در خدمت استراتژی توسعه قرار گیرد و بانکها یا مؤسسات مالی و اعتباری با توجه به شرایط حاکم بر بازار سرمایه و ملاحظه نرخ تورم، حداقل در یک برنامه میان مدت متقاضی بیمه باشند.

هر اندازه که اقتصاد مسیر منطقی و طبیعی توسعه را طی کند، بیمه‌گذاران نیز تغییرپذیر خواهند شد و شرایط اعطای اعتبارات نیز سهل‌تر می‌شود و رفته رفته متقاضیان واقعی، درخواست بیمه اعتباری خواهند کرد. در غیر این صورت بیمه‌گر فقط ضامن عملیات غیر منطقی اعتبار گیرنده می‌شود و اساساً این مطلب با روح عملیات حرفه‌ای بیمه‌های اعتباری مغایرت دارد.

۵. چگونگی به کارگیری بیمه‌های اعتبار یا تضمین در کشورهای در حال توسعه آنچه مسلم است در کشورهای در حال توسعه نحوه به کارگیری خدمات بیمه‌های اعتباری یا تضمینهایی که در اختیار بیمه‌گذاران قرار می‌گیرد با آنچه در کشورهای توسعه یافته به مورد اجرا گذارده می‌شود نمی‌تواند به یک شکل باشد. در کشورهای در حال توسعه معمولاً دولت با تشکیل صندوقهای ضمانت و به منظور حمایت از صادرات، اعتبارات اعطایی را تضمین می‌کند (نمونه این گونه تشکیلات در کشور ما نیز وجود دارد)، در حالی که در سایر کشورها از خدمات بیمه‌های بازرگانی و صندوقهای حمایتی توأماً استفاده می‌شود.

هرچه موقعیت سرمایه‌گذاری‌ها یا صادرات در حرکتهای اقتصادی با ثبات‌تر باشد نیاز به خدمات بیمه‌های اعتباری بیشتر می‌شود. به بیان دیگر، در مقابل وقوع خطرهایی که پس از اعطای اعتبار و به منظور تشویق در امر صادرات کالا یا خدمات لازم است، از طریق این صندوقها ایجاد اطمینان و تضمین می‌شود. گیرندگان اعتبار هم در بخش خصوصی و هم در بخش دولتی می‌توانند از خدمات ارائه شده صندوقهای ضمانت

استفاده کنند. نمونه بارز آنها در کشورهایی که از نظر اقتصادی پیشرفته‌اند نظیر اداره تضمین اعتبارات صادرات در انگلستان، هرمس در آلمان و گاسه در فرانسه وجود دارد. در واقع دولت با به وجود آوردن این گونه تشکیلات در زنجیره توسعه اقتصادی خود، حلقه‌های حمایتی خطرهای سیاسی و اقتصادی را ملاحظه می‌کند.

مکانیسم خدمات در صندوقهای حمایتی به شکل صدور ضمانت‌نامه است و به همین دلیل معمولاً خدمات به طریق یارانه‌های دولتی ارائه می‌شود. در نتیجه ضرر و زیان عملیات را نیز دولت تقبل می‌کند. در حالی که در بخش بیمه‌های اعتباری که بیمه‌گران ارائه می‌کنند احتمال بروز خطر عدم پرداخت یا استنکاف خریدار از پرداخت بهای کالا یا خدمت صادر شده ارزیابی می‌شود و بیمه‌گر اعتباری در نقش یک بازرگان، خدمات بیمه‌ای خود را عرضه می‌کند و قاعداً یک تاجر خوب در پی زیان نیست. در اختیار داشتن توان مالی در این بخش از خدمات بیمه‌گری اهمیت به سزایی دارد.

با توجه به تفاوتی که در چگونگی خدمات ارائه شده صندوقهای ضمانت و مؤسسات بیمه‌های بازرگانی وجود دارد، در آن دسته از کشورهای در حال توسعه که اقتصاد در چارچوب نظام دولتی اداره می‌شود و دولت در جریان مبادلات بازرگانی نیاز به تضمین دارد، عملکرد صندوقهای ضمانت می‌تواند با موفقیت همراه باشد. در آن دسته از کشورها که دولت ناظر بر فعالیتهای اقتصادی است و بازرگان در جریان مبادلات اقتصادی نقش اصلی را به عهده دارد منطقاً پوششهای اعتباری را مؤسسات بیمه عرضه می‌کنند، به عبارت دیگر بازرگان به خدمات بیمه اعتبار نیازمند است و بیمه‌گران تجاری این نیاز را مرتفع می‌سازند.

در عمل مکانیسم اجرا بدین صورت است که تاجر در ازای خدمتی که در اختیار می‌گیرد، ارزش بروز خطر یا حق بیمه را پرداخت می‌کند و در نتیجه انعطاف‌پذیری در عملیات بیمه‌ای ملموس‌تر خواهد بود و این امر در توسعه فعالیتهای جدید بیمه‌های اعتباری تأثیر می‌گذارد.

۶. ضرورت ارائه خدمات بیمه‌های اعتباری به منظور حمایت از صادرات (به ویژه صادرات غیر نفتی)

به طور کلی در ضرورت ارائه خدمات بیمه‌های اعتباری هیچ تردیدی وجود ندارد لکن در کشورهای در حال توسعه با توجه به مکانیسمهای حاکم بر اقتصاد آنها و به ویژه آن

گروه از کشورهایی که درآمدهای شان متکی به فروش منابع تولید (نظیر کشورهای نفت خیز) است سرلوحه برنامه‌های توسعه استراتژیک آنها حمایت از صادرات غیرنفتی است؛ در واقع توسعه صادرات غیرنفتی اهمی تعیین کننده در آینده اقتصادی آنهاست. نیاز به خدمات بیمه‌های اعتباری که می‌تواند مشوق این امر باشد از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در این زمینه، سیستمهای بانکی باید تسهیلات صادراتی در اختیار صادرکنندگان قرار دهند و تا حد امکان از دیوان سالاری اداری دست و پاگیر که موضوع صادرات را تحت شعاع قرار می‌دهد پرهیز کنند.

در تمامی کشورهای جهان، امر صادرات از طریق تسهیلات اعطایی انجام می‌شود. صادرکنندگان در مقابل تسهیلات اعطایی که مشخصاً به منظور توسعه و تشویق صادرات غیرنفتی در کشورهای در حال توسعه در اختیار می‌گیرند با هاله‌ای از ابهام در مقابل خطرهای مختلف بازرگانی یا سیاسی قرار دارند. امروز در بخش صادرات غیرنفتی در کشورهای در حال توسعه، از یک سو، ریسک خریدار کالا یا خدمات و از دیگر سو، ریسک صادرکنندگان باید مورد نظر قرار گیرد. تأیید صلاحیت صادرکنندگان و به عبارتی اعتبار صادرات با سیستم بانکی و در مقابل اخذ تضمینهای مناسب صورت می‌گیرد و ریسک عدم پرداخت خریدار با بیمه‌نامه‌های اعتبار صادرات تأمین می‌شود.

بررسی موقعیت اقتصادی خریدار کالا در ارزیابی خطرهای سیاسی مهم است و به همین دلیل کشورها از نظر ریسکهای سیاسی در طبقه‌بندی‌های مختلفی قرار می‌گیرند؛ خریداران بیمه‌نامه‌های اعتباری در بخش صادرات کالا یا خدمات نیز از لحاظ نرخهای اعمال شده حق بیمه از این طبقه‌بندی تبعیت می‌کنند. مهم این است که در این طبقه‌بندی‌ها وضعیت اقتصادی و سیاسی به لحاظ خطرهایی که ممکن است در ارتباط با صادرات واقع شوند ملاحظه گردد.

تشویق به امر صادرات بدون پشتوانه منطقی و اجرایی که بتواند اعتبار صادرکنندگان را مورد تأمین قرار دهد و اطمینان عملی به صادرکنندگان ببخشد، فقط جنبه نظری خواهد داشت. در کنار همه ملاحظات که برای توسعه صادرات غیرنفتی ضروری است، خدمات بیمه‌های اعتبار صادرات، آهنگ این توسعه را تسریع خواهد کرد.

نتیجه گیری (ارائه طریق)

با توجه به آنچه گذشت می توان نحوه اجرای گسترش بیمه های اعتباری در کشورهای در حال توسعه را به شرح زیر خلاصه کرد:

۱. اعتقاد عملی به تدوین برنامه های زیر بنایی در جهت توسعه اقتصاد کلان و سرمایه گذاری در این زمینه.
۲. تهیه طرح جامع و قابل اجرا به منظور توسعه صادرات کالا و خدمات، به ویژه صادرات بدون نفت در کشورهای در حال توسعه نفت خیز.
۳. حذف دیوان سالاری غیر ضروری دولتی به منظور تسهیل در اعطای اعتبارات، برای توسعه و تشویق صادرات غیر نفتی.
۴. همکاری تنگاتنگ سیستم های بانکی و بیمه ای در تأسیس بنگاه های عرضه کننده خدمات این نوع بیمه.
۵. تخصیص بخشی از بودجه سالانه کشور به منزله سرمایه در اختیار به منظور افزایش توان مالی مؤسسات بیمه های اعتباری.
۶. تهیه طرح های بیمه های اعتباری در جهت به اجرا درآمدن برنامه های توسعه اقتصادی.
۷. ارائه خدمات بیمه های اعتباری به منظور اطمینان در سرمایه گذاری خارجی با هدف رسیدن به ثبات اقتصادی.
۸. به کارگیری مکانیسم های بیمه های اتکایی در جهت توزیع ریسک های اعتباری.
۹. استفاده بهینه از تجربیات کشورهایی که در عرضه خدمات بیمه های اعتباری موفق بوده اند.
۱۰. آموزش سیستماتیک و افزایش آگاهی مؤسسات مالی و اعتباری در استفاده از خدمات بیمه های اعتباری.